

آینده منطقه آمازون چیست؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نوشته اینیاسی زاکس

اختیار مردم منطقه گذاشته می‌شود، بی‌درنگ ممکن است نوعی استعمار بوم شناختی به حساب آید.

بگذارید این کشورها با ارائه برنامه ویژه‌ای برای کاهش مصرف انرژی در جوامع صنعتی، به کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل که در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار خواهد شد، صمیمیت خود را ثابت کنند.

بگذارید دانش علمی و تکنیکی مورد نیاز برای توسعه میراث زیست شناختی پهناور جنگل آمازون را نیز در چهارچوب اصول صحیح بوم شناختی در اختیار کشورهای آمریکای جنوبی قرار دهند. برای انجام این پروژه درازمدت، برزیل و سایر کشورهای منطقه آمازون باید خودشان توانایی انجام پژوهش در محل طبیعی را داشته باشند.

تکنولوژی زیستی، بر پایهٔ بینرفت در زمینه تولید زیست توده و گسترهٔ فراورده‌هایی که می‌توان از آن به دست آورد، امکانات قابل توجهی برای کشورهای گرمسیری به ارمغان می‌آورد. سرانجام خواهیم توانست ظهور یک «تمدن صنعتی

بسیاری از مردم کشورهای صنعتی دوست دارند منطقه آمازون همان گونه که هست حفظ شود و آن را تبدیل به یک اندوختگاه طبیعی پهناور کنند.

برخی از این طرفداران عدم توسعه منطقه آمازون، حفاظت از کرهٔ زمین را بر هر چیز مقدم می‌شمارند و انسان را انگل می‌دانند. بعضی دیگر از آنها بر این نکته تأکید دارند که جنگل آمازون نقش مهمی در خنثی کردن اثر گلخانه‌ای دارد و مایلند این جنگل مانند فیلتری عظیم عمل کند تا ۵۰۰ میلیون ماشین بتوانند به سوزاندن سوخت‌های سنگواره‌ای ادامه دهند.

زمینه کنونی

عدم توسعه منطقه آمازون برای مردم این منطقه و برای برزیلی‌ها به طور کلی، نپذیرفتی است. تا زمانی که کشورهای صنعتی آمریکای شمالی تغییر دادن روش زندگی و الگوی مصرف را برای خود نپذیرند، مشاوره‌های رایگانی که در

جدید و بر پایه گیاه» را بینیم که به ویژه برای کشورهای گرمسیری، دورنمایی جالب است. آقای مونکومبوس، سوامیتان، رئیس پیشین اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، بر این باور است که شکل جدیدی از تمدن که بر استفاده مستمر از منابع تجدید شدنی استوار باشد نه تنها امکانپذیر که ضروری است. دیدگاه این دانشمند سرخوست با دریافتهای ژیلبرتوفریر، جامعه‌شناس برزیلی که در دهه ۱۹۶۰ سمیناری در مورد گرمسیری شناسی در رسیف برپا کرد، همخوانی دارد.

اما، در حال حاضر، تکنولوژی زیستی ظاهراً چنان پشت سپری از حق امتیازها قرار گرفته است که مردم بسیاری از کشورهای در حال توسعه در این تردیدند که آیا تکنولوژی زیستی ابزار استعمار دوباره جنوب به وسیله شمال نخواهد شد؟ اگر کشورهای صنعتی حق امتیازها و حق مالکیت‌های معنوی خود را رها می‌کردند و دسترسی به علم و تکنولوژی را به شکلی آزادانه‌تر درمی‌آوردند، نشانه‌ای دیگر از بی‌طرفی خود را نشان می‌دادند.

در ۱۹۸۹ راجیو گاندی، نخست وزیر وقت هندوستان، پیشنهاد کرد که مالیاتی ۰/۱ درصدی بر درآمد جهانی وضع شود و حاصل ۱۸ بیلیون دلاری آن صرف تأسیس یک صندوق جهانی شود که هزینه پژوهش در زمینه تکنولوژیهای بی‌ضرر برای محیط زیست و خرید و توزیع آن در تمام

کشورهای علاقه‌مند را تأمین کند. اما این پیشنهاد، که بحث در زمینه تأمین مالی حفاظت از محیط زیست و توسعه را دوباره داغ کرد، به جایی نرسید.

روش عمل امکانپذیر دیگر، ایجاد شبکه‌ای است که بین پژوهشگران آسیایی و آفریقایی و پژوهشگران برزیلی و سایر کشورهای آمریکای لاتین، که در صدد کنترل منابع تجدیدشده‌ی اکوسیستمهای مرطوب جنگلهای گرمسیری به منظور گسترش آنها هستند، پیوندی برقرار کند. این فرایند باید سه هدف بوم‌گسترشی را دربرگیرد:

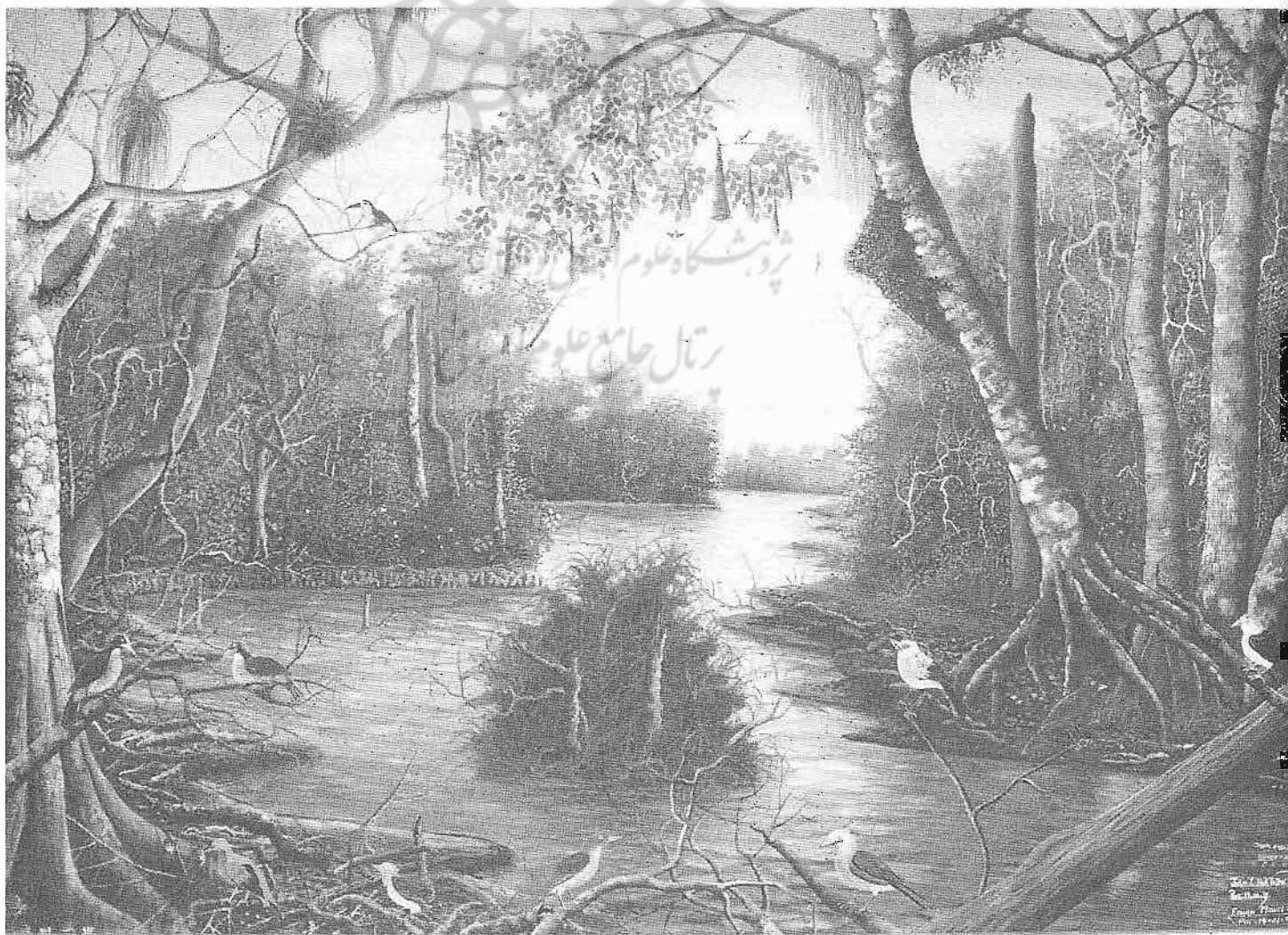
● برقراری عدالت اجتماعی بیشتر به نام اصل اخلاقی همبستگی همزمان، به نحوی که توسعه تمدنی بر پایه تقسیم برابر گنجینه‌ها به شمار آید.

● خود - توسعه در هماهنگی با طبیعت و نه در چیرگی بر آن، به نام اصل اخلاقی همبستگی تاریخی با نسلهای آینده.

● پیگیری این دو هدف از طریق جستجوی نوعی کارایی اقتصادی که محدود به مفهوم سوددهی کسی که اغلب ارزشهای بوم شناختی و اجتماعی را نادیده می‌گیرد نباشد.

علاوه بر این اقدامها، همکاری بین المللی باید در درجه نخست در جهت بهبود محیط اقتصادی کل کشورهای آمریکای لاتین باشد. به بیان دیگر، باید راه‌حلهایی برای

یک نقاشی اثر ناگردان
مدرسه نقاشی و طبیعت اسکو -
آبار در بوکالبا در آمازون پرو. این
مدرسه در ۱۹۸۸، به منظور تشویق
هنرمندان جوان به نگرستن به
محیط زیست آمازون و تصویر
کردن زندگی گیاهی و جانوری آن
تأسیس شد.





یک شرکت الوار در ناحیه‌ای از آمازون برو که قطع جنگل در آن سنگین بوده است، نهال درختان بومی می‌کارد.

است منطقه را به سرعت تبدیل به یک کویر خواهد کرد.

حقایق چیست

بیش شرط توسعه موفقیت آمیز، رها کردن مدل غالب بهره‌برداری شکارگرانه از منابع طبیعی منطقه است، یعنی رها کردن مدلی که ارزشهای محیطی و اجتماعی را به هیچ وجه در نظر نمی‌گیرد. ادامه تصادفی رشد همان قدر نپذیرفتنی است که عدم توسعه.

در مدت بیست سال یا بیشتر، ترکیب چند عامل جنگل زدایی را شتاب داد. این عوامل عبارت بودند از: الزامهای ژئوپلیتیک که منجر به مسکونی کردن منطقه آمازون در امتداد راه‌هایی شد که برای این هدف ساخته شدند.

این عقیده که منطقه آمازون می‌تواند آن پناهندگان روستایی را جذب کند که کشاورزی مکانیزه در جنوب برزیل و دوام ساختارهای زمین‌داری ناسازگار با زمان در شمال شرقی، جایشان را گرفته است.

تصمیم به دامپروری در سطح وسیع که کاملاً برای شرایط طبیعی منطقه آمازون نامناسب است و منجر به معاملات بزرگ و سرسام‌آور زمین می‌شود، و نیز امیدهایی به اینکه ذخایر منطقه بتواند برای سبک کردن بار بدهیها مورد استفاده قرار گیرد.

تأسیس یک مرکز صنعتی بزرگ در منطقه معاف از حقوق گمرکی مانوس.

در نتیجه این سیاستها، که اکنون مورد تجدید نظر قرار گرفته‌اند، منطقه آمازون حدود ۳۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ کیلومتر

مسائل بدهی، نسبت هزینه واردات به درآمد صادرات، و کاهش موافقت از صنایع داخلی در کشورهای صنعتی یافت.

درگیریهای داخلی ناشی از مسئله توسعه منطقه آمازون برزیل به بزرگی خود این منطقه پنهانور است که تخلیههای بسیار برانگیخته و سبب گزافه‌گوییهای بسیار شده است.

روایاها و واقعیتها

افسانه‌ای طلایی آمازون را منطقه ثروتهای شگفت‌آور و سرابی که نسلهایی از ماجراجویان را فریب داده است، تصویر می‌کند. شکل دیگر این افسانه که ملهم از روشنگرایی و گرایشهای کفاره‌آمیز قوم‌شناسان ماست، تصویری از وحشیهای اصیل را نقاشی می‌کند که در هماهنگی کامل با طبیعت شادمانه زندگی می‌کنند.

افسانه سیاهی نیز هست که منطقه آمازون را دوزخی سبز و نفوذناپذیر وصف می‌کند که بیماریهای گرمسیری که تمام متجاوزها را مبتلا می‌کنند حافظ آن هستند.

این تصویرهای متضاد در تصورات متضاد از آینده منطقه بازتاب می‌یابد. عده‌ای منطقه آمازون را آخرین مرز اقتصادی بزرگ جهان می‌دانند، جایی با ثروت کانی، آبی و گیاهی بی‌حساب. عده‌ای دیگر عقیده دارند که فراوانی پوشش گیاهی منطقه آمازون پنداری بیش نیست و خاکهای آن فقیرند و به محض قطع جنگل در معرض فرسایش قرار خواهند گرفت. بهره‌برداری بی‌رویه از ذخایر کانی منطقه آمازون و تعداد روبه افزایش سدهای بزرگ، همراه با تشکیل بی‌نظم مهاجرنشین‌ها که به جنگل زدایی عظیم انجامیده

مربع جنگل از دست داده است.

شهرنشینی نیز سریع بوده است. ده میلیون از ۱۷ میلیون نفر جمعیت منطقه آمازون امروز در شهرها زندگی می کنند (مانوس و بیلیم هر یک بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند). حلیی آب‌آدها متعددند و چنان در معرض خطر بیماریهای مسری قرار دارند که شرایط زیست مردمی که در آنها و در شهرها زندگی می کنند بی تردید امروز حادترین مسئله زیست محیطی منطقه آمازون است.

خارج از مراکز شهری، جمعیت در آبادیهای بسیار پراکنده‌ای در امتداد کناره جریانه‌های آب و رودخانه‌ها زندگی می کند و اقتصاد حداقل معیشت و شکار را دارد. ایجاد «اندوختگاههای قابل استخراج» به کابوکلوها و سربنگوئریها (دهقانانی که کائوچو از درخت می کشند) که معامله گران زمین، موجودیتشان را تهدید می کند آسایش خاطر داده است. این مردم در شرایطی فوق العاده ناپایدار زندگی می کنند که در صورت بهره برداری خردمندانه تر از محصولات طبیعی جنگل قابل بهبود است، اما این کار را تنها به عنوان بخشی از راه حل درآمدت برای تمام منطقه می توان به حساب آورد. سربنگوئریها سهم خود را از پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می خواهند که به معنای پیشی بویا در تبدیل اندوختگاههای قابل استخراج، به قطبهای بوم گسترش است.

جمعیتهای بومی که مدتهای دراز قربانی ماجراجویان و استعمارگران بودند، زیر حمایت دولت برزیل از حقوق قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و دولت قول داده است از حالا تا ۱۹۹۳، ۸۰ میلیون هکتار زمین به ۲۵۰۰۰۰ نفر از آنها واگذار کند.

یک استراتژی نو

هدف سیاست زیست محیطی کنونی برزیل بیشتر پیشبرد یک استراتژی بوم گسترش است تا یک استراتژی توسعه به هر قیمت. این هدف ستودنی است اما دستیابی به آن آسان نیست، نه در برزیل و نه در کشورهای دیگر منطقه آمازون. باید پذیرفت که بوم گسترش در منطقه آمازون به تغییرات سیاستهای بیرون از منطقه وابسته است. اصلاحات ارضی و اصلاح سیاست کشاورزی باید در بقیه مناطق برزیل نیز اجرا شود تا سیل کوچندگان به منطقه آمازون کاهش یابد. به ترتیب مشابه، منابع جنگلی باید با یک برنامه بزرگ احیای جنگل در جاهایی غیر از منطقه آمازون حفظ شود. برنامه فلورام که در مؤسسه مطالعات عالی دانشگاه ساوپولو تهیه شده است پیشنهاد می کند که طی سی سال، ۲۰ میلیون هکتار جنگل بیرون از منطقه آمازون با هزینه ۲۰ میلیارد دلار کاشته شود.

درون منطقه آمازون، نخستین گام تقسیم این منطقه بسیار ناهمگن به حدود بیست زیر منطقه است که هر یک استراتژی خاص خود را داشته باشد. مسائل کلی منطقه آمازون نیازمند راه‌حلهایی است که با شرایط بوم‌شناختی و فرهنگی محل

سازگار باشد. گوناگونی اجتماعی همتای گوناگونی زیست‌شناختی است.

نیروی اصلی این کوششها باید در جهت احیای مجدد زمینهای جنگل‌زدایی شده و، تا جای ممکن، افزایش تراکم جمعیت این نواحی باشد، به نحوی که مرز پیش‌رونده مهاجرنشینی متوقف و از جنگل‌زدایی بیشتر جلوگیری شود. برای ایجاد مجمع‌الجزایر به هم پیوسته‌ای از «اندوختگاههای توسعه» باید کوشید تا برای تضمین حفاظت از جنگل بکر و زیستگاه جمعیت بومی را تضمین کنند. چنین رویکردی دشواریهای فراوان در بر دارد، اما هنوز واقع‌گرایانه‌تر از ایجاد تعداد زیادی اندوختگاه طبیعی به نظر می رسد. نظام کشت و جنگل، که از گونه‌های گیاهی بومی (به ویژه بتانسیل عظیم درختان میوه) خردمندانه استفاده می کند، آبروی پروری، کشاورزی و باغبانی پر محصول در وارزیاس (زمین غرقابی بسیار حاصلخیز)، و دامپروری در سطح کوچک، تکنیکهایی نویدبخش‌اند. دانش محیط زیست که مردم بومی در طول قرن‌ها کسب کرده‌اند می تواند نقطه آغاز مفیدی باشد، که اهمیت مطالعات قوم - بوم‌شناختی از آنجا منشأ می گیرد.

مهارتهای تکنیکی بر پایه دانش مردم محلی و نهاده‌های علم جدید می تواند نیازهای خانواده‌های کشاورز کوچک امروزی را برآورده کند. استفاده از منابع بومی انرژی که در مقیاسی محدود بهره‌برداری شود، توسعه تدریجی صنایع کوچک بسته‌بندی و تبدیل را نیز امکانپذیر می کند.

یک شبکه فعال از تعاونیهای تولید و بازاریابی، چهارچوبی تشکیلاتی برای این استراتژیهای بوم گسترش خواهد بود. در میان مدت، این تعاونیها ضمن احترام به بوم‌سازگان آسیب‌پذیر منطقه آمازون، برای جمعیت بسیار بیشتری امکان ایجاد شرایط زندگی شایسته فراهم می کنند. این تعاونیها کوچ به حلیی آب‌آدها و افزایش خارج از کنترل معدنکاری طلا را نیز کند می کنند.

هدف باید قابل زندگی ساختن منطقه آمازون باشد، اما با کنار گذاشتن این دید استعماری که آمازون منطقه تولیدکننده منابعی است که به جهان خارج سرازیر می شود، مسائل بسیار دشوارتر کاهش هزینه‌های اجتماعی و بوم‌شناختی معدنکاری و نیروی آب، بهبود شرایط زندگی توده‌های شهرنشین، و کنترل بیماریهای گرمسیری که مالاریا در رأس آنهاست، پابرجا هستند.

برخلاف تعصبی فراگیر، هم‌اکنون درباره منطقه آمازون به اندازه کافی می‌دانیم تا بدون غفلت از پژوهش، که در هر حال ضروری است، در راه بوم گسترش پیش روییم. در شکافهای مدل توسعه شکارگر می‌توان پژوهشهای موفقیت‌آمیز و ابتکارهای بومی نویدبخشی یافت. این راه‌حلهای که در حال حاضر خارج از الگوی غالب قرار دارند منادی الگوهای جدید توسعه‌اند.



برداشت محصول دانه یک درخت آندیروبا در برزیل. دانه‌های این درخت روغنی می‌دهند که خواص دارویی دارد.

ایسیناسی زاکس، اقتصاددان فرانسوی، مدیر مطالعات مدرسه مطالعات عالی علوم اجتماعی در پاریس است. در سال ۱۹۷۳ مرکز پژوهش محیط زیست و توسعه را در این مدرسه بنیان گذاشت و در حال حاضر سرپرست مرکز پژوهش برزیل معاصر است. به عنوان یک متخصص با بسیاری از سازمانهای بین‌المللی، از جمله یونسکو، کار کرده است و مدیر برنامه پیشین دانشگاه سازمان ملل است.